

زیجر

دوفصلنامه علمی ترویجی فلسفه اسلامی
سال هشتم / شماره دوم / پیاپی ۱۵ / پاییز - زمستان ۱۴۰۱

آسیب‌شناسی و بررسی وضعیت متون درسی

دانش منطق در حوزه علمیه قم^۱

یحیی نورمحمدی نجف‌آبادی^۲

چکیده

متون درسی یکی از ارکان مهم آموزش در هر نظام آموزشی‌اند که نقش عمده‌ای در فرایند تعلیم و تعلم دارند و همواره مورد اهتمام برنامه‌ریزان آموزشی بوده‌اند. بررسی وضعیت متون آموزشی و آسیب‌شناسی کتاب‌های درسی در راستای اصلاح، تکمیل، روزآمد و کارآمد کردن آن‌ها یکی از اقدامات لازم و متداول در نظام‌های آموزشی است. در بررسی و آسیب‌شناسی متون درسی دانش منطق در حوزه علمیه قم، با روش توصیفی - انتقادی، آسیب‌های متعددی می‌توان یافت که می‌توان آن‌ها را به دو بخش آسیب‌های عمومی (اهداف، روش، محتوا، شکل و ظاهر متن، ساختار متن و جنبه‌های روان‌شناختی) و آسیب‌های اختصاصی (رکود و ایستایی در مباحث منطقی، بی‌توجهی به منطق جدید، اختلاف در ترتیب مباحث، استفاده از اصطلاحات و واژگان نامأنوس، کاستی کمی و کیفی استفاده از مثال، فقدان تمرین و پرسش‌های تحلیلی) تفکیک کرد. این مقاله با بررسی کتاب‌های درسی منطق در نظام آموزشی حوزه علمیه قم، از نظر ویژگی‌های ساختاری و میزان رعایت اصول علمی در طراحی و تدوین آن‌ها از یک طرف و درک اثرات مستقیم و غیرمستقیم محتوا بر ابعاد متفاوت یادگیری شناختی، عاطفی و مهارتی فراگیران از سوی دیگر، به دنبال سنجش آن‌ها با شاخص‌های آموزشی است تا زمینه را برای بازنویسی آن‌ها متناسب با شرایط و نیازهای جدید فراهم گرداند تا کتاب‌های منطقی حوزه به شرایط مطلوب نزدیک‌تر شوند.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌شناسی، متن درسی، منطق، حوزه علمیه قم.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۸

۲. استادیار گروه معارف دانشگاه ملایر (normohamadi126@gmail.com)

۱. مقدمه

یکی از ارکان آموزش در نظام‌های تعلیمی که در ممانعت از هدررفت سرمایه و افزایش بهره‌وری آموزشی و دستیابی به اهداف شناختی و مهارتی و نیز فراهم‌آوری موجبات نشاط علمی در دانش‌پژوهان و فراگیران، نقش اساسی ایفا می‌کند، محتوای آموزشی در قالب و شکل متون و کتاب‌های درسی و منابع آموزشی است. از این رو محتوا و متن آموزشی همواره بخش مهمی از نظام آموزشی بوده و توجه صاحب‌نظران و محققان نظام‌های آموزشی را به خود معطوف ساخته است (حسن مرادی، ۱۳۸۸: ۵). یکی از وظایف مراکز و نهادهای علمی در قبال کتاب‌های درسی و متون آموزشی، بررسی وضعیت آن‌ها و آسیب‌شناسی و اصلاح و روزآمد کردن آن‌هاست. نظام آموزش حوزه علمیه قم نیز از این قاعده مستثنا نیست و دستیابی به اهداف و مقاصد بلند تعیین‌شده در آن، بدون در نظر گرفتن متون درسی مناسب و روزآمد با رعایت روش‌های کارآمد در تدوین و نگارش آن‌ها امکان‌پذیر نیست؛ لذا ضروری است که کتاب‌ها و متون درسی در این نظام آموزشی را نیز از نظر ویژگی‌های ساختاری و میزان رعایت اصول علمی در طراحی و تدوین آن‌ها و درک آثار مستقیم و غیرمستقیم محتوا بر ابعاد متفاوت یادگیری شناختی، عاطفی و مهارتی فراگیران دقیقاً بسنجند و با شاخص‌ها و معیارهای آموزشی بررسی و آسیب‌شناسی کنند و متناسب با شرایط و نیازهای جدید در هر عصر، بازنویسی نمایند و به شرایط مطلوب نزدیک‌تر کنند. یکی از علوم و دانش‌هایی که در نظام آموزشی حوزه علمیه قم (اعم از نظام آموزش رسمی یا آزاد موجود در متن حوزه یا مراکز و مؤسسات آموزشی و پژوهشی وابسته و زیرمجموعه آن) جایگاه ویژه و برجسته‌ای دارد، دانش منطق است که همانند سایر علوم و دانش‌های حوزوی، متون آموزشی و کتاب‌های درسی آن همواره نیازمند بررسی، آسیب‌شناسی، اصلاح و تکمیل‌اند.

در این مقاله دنبال آنیم که وضعیت متون درسی و کتاب‌های آموزشی دانش منطق در حوزه علمیه قم (اعم از کتاب‌هایی که سابقاً تدریس می‌شده‌اند یا در حال حاضر رواج دارند) را بررسی و آسیب‌شناسی کنیم تا مقدمه‌ای برای اصلاح و تکمیل آن‌ها فراهم گردد. برای این امر از دو روش گردآوری داده‌ها بهره خواهیم برد: روش کتابخانه‌ای؛ مصاحبه با طیفی از استادان و خبرگان دانش منطق.

در این باره پژوهش‌هایی نیز انجام شده است؛ مانند «آسیب‌شناسی روش‌های آموزش منطق در حوزه»؛ مصاحبه با استاد منتظری مقدم، کتاب روش، پیش‌شماره ۱، زمستان ۱۳۸۲؛ آسیب‌شناسی حوزه علمیه نوشته مرتضی رضوی؛ «نگرشی به متون آموزشی حوزه» نوشته علی‌اکبر ذاکری، مجله حوزه، شماره ۳۵، ۱۳۷۵؛ «مهم‌ترین اصول در بازنگری نظام آموزشی» نوشته جعفر سبحانی، پیام حوزه، شماره ۱۳، ۱۳۷۶؛ «بایسته‌های تحصیل و تحقیق در منطق» نوشته عسکری سلیمانی، رهنامه پژوهش، شماره ۱۳، پیاپی ۲۷، ۱۳۹۲. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، هیچ یک از این پژوهش‌ها



آسیب‌شناسی و بررسی وضعیت متون درسی دانش منطق در حوزه علمیه قم

به‌طور مستقیم به بررسی و آسیب‌شناسی متون درسی منطق در حوزه علمیه قم پرداخته‌اند و این پژوهش در این موضوع را ضروری می‌نماید.

ابتدا گزارش و توصیفی از کتاب‌های درسی منطق در حوزه علمیه قم، ارائه خواهیم داد، سپس شاخص‌ها و معیارهای عام متن درسی مطلوب را به‌صورت اجمالی بیان خواهیم کرد و در پایان، به آسیب‌شناسی کتاب‌های درسی منطق خواهیم پرداخت.

۲. کتاب‌ها و متون آموزشی

۲-۱. منطق شفا

الشفا را می‌توان مهم‌ترین و جامع‌ترین کتاب ابن‌سینا دانست که در موضوعات گوناگون منطق، طبیعیات، ریاضیات و الهیات، به زبان عربی نگاشته است. بخش منطق کتاب شفا از جامع‌ترین آثار در منطق است که ابن‌سینا آن را بدون دسترسی به منابع و تنها با تکیه بر حافظه خود، تألیف کرده است. ابن‌سینا مباحث مطرح در منطق شفا را مانند سایر بخش‌های دیگر شفا، در قالب فن، مقاله، فصل و مسائل، تبویب کرده است. فنون نه‌گانه منطق شفا عبارت‌اند از: ایساغوجی (مدخل منطق مشتمل بر معرفی منطق، فایده و موضوع منطق، مباحث الفاظ)، قاطیغوریاس (مقولات و اجناس عالی ماهیات)، باری ارمیناس (مباحث قضایا)، آنالوطیقای اول (صورت، اقسام و اشکال قیاس)، آنالوطیقای دوم (برهان)، طوبیقا (جدل)، سوفسطیقا (سفسطه و مغالطه)، ریطوریکا (خطابه)، بوطیقا (شعر). فن «برهان» از کتاب منطق شفا از دیرباز مورد توجه بزرگان علوم عقلی در فلسفه اسلامی بوده و به‌عنوان متن درسی در حوزه علمیه تدریس می‌شده است.

۲-۲. منطق‌الاشارات و التنبیها

الاشارات و التنبیها یکی از مهم‌ترین و ارزشمندترین تألیفات ابن‌سیناست. این کتاب مشتمل بر دو بخش منطق و فلسفه است. ابوعلی سینا در بخش منطق این کتاب تلاش نموده است از سایر فیلسوفان مشاء پیش از خود فاصله بگیرد و علی‌رغم حفظ و پذیرش اصول و قواعد منطقی برجای‌مانده از ارسطو، مطالب کتاب را با سلیقه و نظر خود در ساختاری جدید تبویب و تنظیم کند. غالب فیلسوفان بعد از ارسطو، به سبب استواری، اتقان و استحکام قواعد منطق ارسطویی، آن‌ها را پذیرفتند و حفظ کردند و با دیده احترام به آن‌ها نگاه کردند، اما این مانع از آن نشد که ابن‌سینا ساختار و باب‌بندی مطالب منطق‌الاشارات را با تحولات و تغییراتی تنظیم نماید. البته ابن‌خلدون این شیوه از تبویب مطالب منطقی را به منطق‌دانان متأخری مانند فخر رازی نسبت می‌دهد، لکن مشخص است که پیش از

فخر رازی، ابن سینا در بخش منطق الاشارات و التنبیهات این باب‌بندی جدید را ارائه کرده است. برخی از تحولات و تغییرات ابن سینا در این کتاب عبارت‌اند از (فایدنی، ۱۳۸۳: ۶۷):

ابن سینا مطالب منطق را در این کتاب به دو بخش «تصور» و «تصدیق» تقسیم کرده است. به اعتقاد او موضوع منطق «معقولات ثانیه» نیست، بلکه «موصل تصویری و تصدیقی» است؛ زیرا به نظر او کار منطقی عبارت است از اینکه اولاً مبادی قول شارح و چگونگی تألیف آن‌ها به صورت حد یا رسم را بشناسد؛ ثانیاً مبادی حجت و چگونگی ترکیب آن‌ها به صورت قیاس یا خود آن را فراگیرد؛ از این رو ابن سینا اساس تقسیم‌بندی مباحث مربوط به حد و رسم را، که در منطق ارسطویی در کتاب برهان از آن‌ها گفت‌وگو می‌شد، بر باب قضایا مقدم داشته و در نهج دوم پس از بحث از کلیات خمس به تعریف حد و رسم و بیان اقسام آن پرداخته است تا همه مباحث مربوط به تصورات و قواعد کشف مجهول تصویری، یک‌جا و پیش از مباحث تصدیقات قرار گیرند.

ابن سینا در منطق الاشارات و سایر آثار منطقی خود، در ابتدای مباحث منطقی، بحث از الفاظ را آورده و از اقسام دلالت لفظی بحث کرده است؛ زیرا تمام معلومات ذهنی، اعم از تصویری و تصدیقی به وسیله الفاظ از ذهنی به ذهن دیگر انتقال می‌یابند و میان لفظ و معنی ملازمه و رابطه وجود دارد و چه بسا احوال لفظ در احوال معنی اثر کند؛ لذا بر منطق‌دانان لازم است که در آغاز علم منطق، به مباحث الفاظ نیز توجه کنند. این تغییرات مهم و ضروری ابن سینا در منطق را دانشمندان بعد از او نیز پذیرفته‌اند.

ابن سینا در بحث صناعات خمس منطق اشارات، مانند دو اثر دیگر خود، دانشنامه علانی و نجات، فقط به بحث برهان و مغالطه اکتفا کرده و از خطابه، جدل و شعر بحث نکرده است. به اعتقاد او اولاً هدف از فراگیری منطق، احقاق حق و اثبات واقع است و اعتقاد جازم مطابق با واقع جز از طریق برهان به دست نمی‌آید. ثانیاً منطق‌دان به دنبال آن است که نه خود در تفکر دچار اشتباه گردد و نه مغالطه دیگران او را به اشتباه اندازد و از طرفی دیگر رفتارشدگان در دام مغالطات را هم نجات دهد؛ لذا باید لغزشگاه‌های فکر و اسباب مغالطه را بشناسد. بنابراین فقط آموختن صناعت برهان و مغالطه بر طالبان علم لازم و ضروری است تا به کمک آن‌ها حقیقت را چنان‌که هست بشناسد و در دام مغالطه و مغالطه‌گران گرفتار نشود، اما صناعات‌های جدل، خطابه و شعر جزو اهداف تدوین منطق (رسیدن به حقیقت و دوری از خطای در تفکر) نیستند و غالباً برای صلاح مدنیت و فایده عامه مردم بیان می‌شوند؛ لذا بحث از آن‌ها در منطق ضرورتی ندارد و حذف آن‌ها از منطق اشکالی ندارد. البته او در کتاب شفا به همه صناعات خمس (برهان، مغالطه، جدل، خطابه و شعر) پرداخته است. بسیاری از دانشمندان اسلامی روش ابن سینا در غیر کتاب شفا را پسندیده‌اند، اما افرادی مانند خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب اساس الاقتباس و منطق تجرید، طبق روش قدما عمل کرده‌اند و مانند منطق شفا، در مورد همه صناعات خمس به تفصیل بحث کرده‌اند.



۲-۳. الرسالة الشمسية و شرح شمسیه

الرسالة الشمسية یکی از درس‌نامه‌های بسیار مهم منطقی است که آن را ابو عمر بن علی شافعی، ملقب به نجم‌الدین و معروف به کاتبی قزوینی (متوفی ۶۷۵ق) از استادان علامه حلی و قطب‌الدین شیرازی و از شاگردان خواجه نصیر طوسی، به سفارش خواجه شمس‌الدین محمد جوینی، معروف به صاحب دیوان، نگاشته است و به همین دلیل نام شمسیه را بر آن نهاده است (ویکی نور). این کتاب در گذشته از کتاب‌های درسی مورد توجه حوزه‌های علمیه شیعی و اهل سنت بوده است و شرح و تعلیقه‌های بسیاری بر آن نوشته شده است، اما امروزه در حوزه‌های درسی، مهجور واقع شده و از دور خارج گردیده است (بوک روم). قطب‌الدین رازی (استاد تفتازانی) بر این کتاب شرحی نوشته است که به شرح شمسیه معروف است و تفتازانی در شرح خود متأثر از شرح او بوده است. علامه حلی نیز شرحی با عنوان القواعد الجلیه فی شرح الرسالة الشمسیه بر این کتاب نوشته است که فوائد و نکات و مسائل دشوار آن را به صورت موجز و مختصر بیان کرده است.

کاتبی قزوینی ساختار مطالب کتاب خود را همانند روش ابن‌سینا در بخش منطق‌الاشارات و التنبیها، دو بخش کرده و آن‌ها را «معرف و حجّت» یا «تصور و تصدیق» نام نهاده است. این کتاب دارای یک مقدمه، سه مقاله و یک خاتمه است. هر یک از مقالات کتاب، خود در ضمن چند فصل و خاتمه نیز در ضمن دو مبحث تدوین شده است (کاتبی قزوینی، ۱۳۸۴).

کاتبی در مقدمه کتاب به این نکته تصریح می‌کند که عقلاً متفق‌اند که علوم و به‌ویژه علوم یقینی، والاترین مطالب و ارزشمندترین فضائل و صاحب آن شریف‌ترین اشخاص بشر است و اطلاع بر دقائق آن و احاطه به کنه حقایق آن تنها به وسیله علم «منطق» ممکن است؛ چراکه به وسیله علم منطق است که صحیح آن از ناصواب مشخص می‌شود (همان: مقدمه).

۲-۴. الکبری فی المنطق

این کتاب از تألیفات فارسی علی بن محمد حسینی جرجانی شیرازی، مشهور به میر سید شریف جرجانی است و در عین اختصار، در سی و هفت فصل تقریباً در مورد تمام عناوین علم منطق بحث کرده است. برخی از فصول کتاب، بسیار مختصر است و از چند سطر تجاوز نمی‌کند، لکن برخی از فصول آن دارای تفصیل بیشتری است. الکبری فی المنطق به سبب اختصار و اهمیت، از دیرباز مورد توجه طلاب در حوزه‌های علمیه تشیع بوده و به‌عنوان اولین کتاب در علم منطق تدریس می‌شده است (حسینی جرجانی، ۱۳۹۸). این کتاب را میر شمس‌الدین محمد (فرزند میر سید شریف) به زبان عربی ترجمه کرده و با عنوان الدرّه فی المنطق به چاپ رسیده است.

شروح و تعلیقات متعددی بر کتاب الکبری فی المنطق نوشته‌اند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: بهجة الطالبین تألیف محمد بن محمود حسینی یزدی؛ فوائد منطقی یا شرح کتاب کبری فی المنطق تألیف عصام‌الدین اسفراینی (۹۴۳ق)؛ منظومه کبری تألیف محمدعلی طبسی اصفهانی که در آن تمام مطالب الکبری فی المنطق به نظم درآمده است؛ هنر فکر کردن تألیف علی حسینی؛ راهنمای اندیشه تألیف علی‌اکبر ارجی؛ مقدمه الحکمه تألیف مهدی ارژنگیان. لازم به ذکر است که الکبری فی المنطق به همراه مجموعه‌ای از کتاب‌ها و رساله‌ها، در ضمن کتاب جامع المقدمات گردآوری شده و ناشران متعددی آن را به چاپ رسانده‌اند.

۲-۵. حاشیه ملا عبدالله یزدی

الحاشیه علی تهذیب المنطق که به حاشیه ملا عبدالله مشهور است، شرحی به زبان عربی است بر بخش منطق تهذیب المنطق و الکلام اثر سعدالدین مسعود تفتازانی که عبدالله بن شهاب‌الدین یزدی آن را تألیف کرده است (یزدی، ۱۳۸۷: مقدمه). این کتاب در گذشته جزء متون درسی ارزشمند و مهم حوزه‌های شیعی و اکثر حوزه‌های اهل سنت شافعی بود، اما امروزه علی‌رغم اهمیت و معروفیتی که دارد، به دلیل رواج المنطق یا تلخیص آن، از رونق این کتاب کاسته شده است (ویکی فقه).

۲-۶. اللئالی المنتظمه (شرح منظومه سبزواری)

منظومه را ملا هادی سبزواری، به زبان عربی سروده است و دارای دو بخش منطق و فلسفه است. خود ملا هادی به سبب دقت و پیچیدگی اشعار منظومه، به شرح ابیات آن پرداخته است. او بخش منطق را که بالغ بر سیصد و بیست بیت است، اللئالی المنتظمه نامیده است و بخش فلسفه و حکمت را غرر الفوائد. بنابراین اللئالی المنتظمه جلد اول از کتاب پنج‌جلدی شرح منظومه حکیم ملا هادی سبزواری است. این کتاب از زمان خود مؤلف جزو متون درسی طلاب علوم دینی بود و تا سال‌های اخیر نیز تدریس می‌شد، اما امروزه از حوزه درس و تدریس رسمی حوزه‌های علمیه خارج گردیده است (رضانژاد، ۱۳۷۱: ۱۵۵).

۲-۷. المنطق

این کتاب را علامه شیخ محمدرضا المظفر (۱۳۲۲-۱۳۹۲ق)، یکی از علما و فرهیختگان حوزه علمیه نجف اشرف تألیف کرده است. این کتاب بلافاصله پس از تألیف به‌عنوان یک کتاب درسی متقن مورد توجه حوزه‌های علمیه قرار گرفت و ابتدا در حوزه علمیه نجف اشرف و سپس در سایر حوزه‌های علمیه، به‌ویژه حوزه علمیه قم، به‌جای حاشیه ملا عبدالله، جزو کتب درسی حوزوی شد (فناپی، ۱۳۹۲:

۱۶۳/۲). البته امروزه در بسیاری از مراکز حوزوی، تلخیص المنطق که خلاصه المنطق است، جایگزین آن شده است.

از جمله ویژگی‌ها و امتیازات این کتاب می‌توان به این موارد اشاره کرد: متن کتاب در مقایسه با کتاب‌های منطقی دیگری که سابقاً جزء متون درسی حوزه قرار داشتند (مانند حاشیه ملا عبدالله و اللئالی المنتظمه) روان‌تر و سلیس‌تر است (همان: ۱۶۴). هدف علامه مظفر از ابتدا تألیف یک کتاب درسی منطقی برای افراد مبتدی بوده و لذا برخی شرایط کتاب درسی را در آن رعایت کرده و در موارد نیاز، توضیحات و تفصیلات لازم و مناسب را ارائه داده است. مؤلف در موارد بسیاری با تکیه بر تجربه طولانی تدریس منطق، مطالب را با شیوه‌ای ابتکاری به‌گونه‌ای ارائه کرده است که فهم مطلب برای شخص نوآموز به آسان‌ترین وجه فراهم گردد؛ مثلاً برای تفهیم قواعد و مطالب، مثال‌ها و نمونه‌های فراوانی به کار برده است. همچنین به مباحث کم‌فایده و دشوار مانند موجّهات نپرداخته است. آشنایی مؤلف با برخی نظام‌های منطقی جدید و آرای بعضی از فیلسوفان غربی معاصر سبب شده است در تألیف کتاب و طرح تمرین‌های آن به برخی از این دیدگاه‌ها نظر داشته باشد. آگاهی و مواجهه علامه مظفر با برخی مباحث و اشکالات منطقی در دوران معاصر، سبب مطرح شدن برخی مباحث جدید و مفید در کتاب گردیده است؛ به‌گونه‌ای که از این طریق به بعضی از این شبهات و اشکالات پاسخ داده شده است (شیروانی، ۱۳۹۲: مقدمه).

۲-۸. دانش منطق

این کتاب به سفارش دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه، به همت حجت‌الاسلام منتظری مقدم با هدف گام نهادن در جهت بازنگری، اصلاح و روزآمد کردن آموزش منطق در حوزه‌های علوم دینی برای عموم طلابی که در غیر از علوم عقلی اشتغال به تحصیل دارند، به رشته تحریر درآمده است. نویسنده انگیزه‌ها خود از نگارش کتاب را چنین فهرست کرده است: عرضه نظام‌مند دانش منطق در قالب طرحی آموزشی در سه مرحله «آشنایی»، «شناخت» و «تسلط» با پیوندی اندام‌وار به نحوی که ره‌آورد هر دوره ابرام و توسعه آموخته‌های قبلی باشد؛ آموزش منطق با رویکردی کاربردی به‌منظور افزایش بهره‌وری، کارایی و اثربخشی این دانش؛ بهره‌گیری از دانش و فناوری جدید در تدوین و تألیف متون درسی؛ تنظیم متن درسی مناسب با اهداف آموزشی هر یک از مقاطع تحصیلی (منتظری مقدم، ۱۳۹۷: ۱۳). بخش‌های سه‌گانه کتاب عبارت‌اند از: چیستی منطق، منطق تصورات، منطق تصدیقات (همان). در برخی مدارس علمیه، کتاب دانش منطق به‌جای کتاب المنطق تدریس می‌شود.

۳. آسیب‌شناسی

گام نخست در اقدام به اصلاح، تکمیل یا تغییر و جایگزینی کتاب‌های درسی دانش منطق در حوزه

علمیه قم، آسیب‌شناسی و کشف نقاط ضعف و اشکالات آن‌هاست. بخش عمده‌ای از اشکالات آموزش دانش منطبق در حوزه علمیه قم به متون درسی و کتاب‌های آموزشی آن اختصاص دارد؛ چراکه غالب این متونی که در حال تدریس در حوزه علمیه قم است، در واقع متن درسی نیست (معلمی، ۱۳۹۹). زمانی طولانی از عمر کتاب‌های درسی فعلی و رایج حوزه می‌گذرد، اما به‌صورت جدی هیچ‌گونه تغییر، اصلاح، تحوّل یا جایگزینی در آن‌ها پدید نیامده است (فیاضی، ۱۳۹۹؛ امینی‌نژاد، ۱۳۹۹). در تدوین یا تعیین کتاب درسی، صرفاً نباید بر عمیق بودن آن تکیه کرد، بلکه باید توجه داشت که شرایط و ویژگی‌های کتاب درسی با سایر کتاب‌های علمی، تحقیقی، ترویجی و مروری یا عمومی که در جهت تبیین موضوع یا نظریه‌ای علمی نوشته می‌شوند یا مسئله‌ای عمومی و غیرعلمی را بازگو می‌کنند، تفاوت‌های بسیاری دارد. آن نوع کتاب درسی‌ای کارآمد و اثربخش است و می‌تواند اهداف نویسنده را تأمین و پیام‌های او را منتقل گرداند و با انعکاس بازتابی مثبت بر مخاطبان، تحول مناسبی در دیدگاه‌ها و نظرات آن‌ها ایجاد کند که براساس معیارها و شاخص‌های علمی و اثبات‌شده، تا حدّ مقبولی ویژگی‌های یک کتاب و متن درسی خوب را داشته باشد.

پژوهشگران بسیاری به کاوش و بررسی ویژگی‌ها و مشخصات یک کتاب درسی خوب و متن آموزشی مناسب پرداخته‌اند. به نظر می‌رسد بتوان مجموع آنچه از اقسام معیارها و شاخص‌ها درباره کتاب درسی مطلوب گفته شده را در ساختاری جدید و قالبی نو، با تقسیم‌بندی‌ای جامع و کامل که شامل بخش عمده‌ای از ویژگی‌های یک کتاب درسی باشد، در شش قسم گردآوری و ارائه نمود: ۱. شاخص‌های مربوط به اهداف (رعایت تعادل در تأمین اهداف؛ هماهنگی اهداف متن درسی با هویت دینی و ملی خوانندگان؛ هماهنگی اهداف متن درسی با اهداف بالادستی در نظام آموزشی؛ تناسب اهداف متن درسی با نیازهای محیط اجتماعی)، ۲. شاخص‌های مربوط به روش (استفاده از روش فعال؛ تبیین محل نزاع، مسئله‌شناسی، سؤالاتی که قرار است در هر یک از قسمت‌های متن به آن‌ها پاسخ داده شود، و آثاری که بحث فلسفی مورد نظر در بحث‌های دیگر دارد؛ سیر حرکت در تبیین یک مسئله فلسفی، از آسان به سخت)، ۳. شاخص‌های مربوط به محتوا (قابل اعتماد بودن؛ تخصصی بودن؛ جامعیت نسبی؛ روزآمدی؛ بهره‌مندی از یافته‌های علمی پیشین؛ صلاحیت پدیدآورندگان؛ انسجام)، ۴. شاخص‌های مربوط به شکل ظاهری (روان و بی‌پیرایه بودن نثر؛ یک‌دست بودن واژگان و اصطلاحات؛ آراسته و جذاب بودن ظاهر)، ۵. شاخص‌های مربوط به ساختار (چیدمان گفتارها؛ بایسته‌های بخش ورودی شامل مقدمه، معرفی موضوع، تعیین اهداف آموزشی، انتظارات یادگیری؛ بایسته‌های بخش پایانی شامل فهرست‌ها، چکیده و خلاصه، سؤالات پایانی، پیشنهادها و نکات اضافی، معرفی منابع بیشتر برای مطالعه، بحث و تحقیق پایانی)، ۶. شاخص‌های روان‌شناختی (پرهیز



آسیب‌شناسی و بررسی وضعیت متون درسی دانش منطق در حوزه علمیه قم

از عوامل تش‌زا؛ پرورش تفکر خلاق؛ تقویت روحیه علمی؛ تقویت روحیه مسئله‌یابی؛ تقویت اعتماد به نفس خواننده؛ تقویت عوامل برانگیزاننده توجه) (کارآمد، ۱۳۹۰؛ حسن مرادی، ۱۳۸۸؛ لپیونکا، ۱۳۸۵؛ معلمی، ۱۳۹۹؛ جزایری، ۱۳۹۶).

در ادامه با تکیه بر شاخص‌ها و ویژگی‌های فوق، به آسیب‌شناسی کتاب‌های درسی رایج دانش منطق در حوزه علمیه قم خواهیم پرداخت. برخی از این آسیب‌ها، به کتاب‌های درسی دانش منطق اختصاص ندارند، بلکه از آسیب‌های مشترک غالب کتاب‌های درسی حوزوی، به‌ویژه کتب درسی علوم عقلی‌اند، اما برخی نیز به دانش منطق اختصاص دارند که به‌صورت جداگانه بیان خواهیم کرد.

۳-۱. آسیب‌های اختصاصی

اختلاف در ترتیب مباحث

تبویب و ترتیب مباحث در کتاب‌های درسی منطقی حوزه یکسان نیست و کتاب‌های قدیمی و کتاب‌های جدید تألیف‌شده در دفتر تدوین متون، از این لحاظ بسیار با یکدیگر متفاوت‌اند. کتاب المنطق مظفر در شش باب و یک مدخل تنظیم شده است. در بخش مدخل، دو مسئله کلی بررسی شده: مباحثی درباره منطق؛ علم و اقسام آن. عناوین ابواب شش‌گانه در این کتاب نیز عبارت‌اند از: فی مباحث الالفاظ، فی مباحث الکلی، فی المعرف و تلحق به القسمة، فی القضا یا و احکامها، فی الحجة و هیئة تألیفها، فی الصناعات الخمس. در حالی که کتابی مانند دانش منطق مشتمل بر سه بخش و شش فصل است. سه بخش کتاب عبارت‌اند از: چستی منطق، منطق تصورات، و منطق تصدیقات. بخش چستی منطق فاقد فصل است. بخش منطق تصورات دو فصل دارد: مقدمات روش درست تعریف، روش درست تعریف. بخش منطق تصدیقات نیز چهار فصل دارد: مقدمات روش درست استدلال، روش درست استدلال مباشر، روش درست استدلال غیرمباشر به‌حسب صورت، روش درست استدلال غیرمباشر به‌حسب ماده. همان‌طور که مشاهده می‌شود، نه سرفصل‌ها یکسان‌اند و نه باب‌بندی و ترتیب مباحث. اختلاف در ساختار کلی مباحث، مانع از شکل‌گیری منظومه منظم مباحث در ذهن خواننده و دانش‌پژوه می‌شود و کار فهم و ضبط مباحث منطقی را برای طلبه دشوار می‌سازد.

استفاده از اصطلاحات و واژگان نامأنوس

در کتاب‌های درسی منطقی رایج، به‌ویژه کتاب‌های قدیمی‌تر، در مواردی از برخی واژگان و اصطلاحات استفاده می‌شود که بسیار نامأنوس و دور از ذهن‌اند. کاربرد این اصطلاحات و واژگان سبب می‌شود به‌جای آنکه تمرکز و دقت طلبه معطوف به فهم و درک محتوا و مطلب باشد، متوجه شناخت معنای اصطلاحات شود؛ مثلاً استفاده از واژه «سِمَت منطق» به‌جای «وجه تسمیه منطق».

کاستی کمی و کیفی استفاده از مثال

یکی از اشکالات کتاب‌های درسی منطقی، استفاده شایسته نکردن از مثال برای تفهیم مطالب به خوانندگان است. در کتاب‌های قدیمی منطقی این مشکل بسیار حادتر است. در کتاب المنطق مرحوم مظفر نیز اگرچه از نظر کمی تا حدودی این مشکل برطرف گردیده، اما مثال‌ها مطلوب نیستند و گاه حتی تکراری‌اند.

فقدان تمرین و پرسش‌های تحلیلی

غالب کتاب‌های منطقی، به‌ویژه کتاب‌های درسی منطقی قدیمی، فاقد تمرین یا پرسش‌های تحلیلی و کاربردی‌اند تا طلبه و خواننده منطق بتواند با کاربرد قواعد کلی منطقی و تکرار تطبیق آن‌ها بر موارد خاص، علاوه بر تسلط و دستیابی به ملکه تطبیق قواعد منطقی، یک خودارزیابی عملی از میزان سطح فهم خویش از مباحث منطقی درس و فصل داشته باشد. تمرین‌ها و پرسش‌هایی هم که در برخی کتاب‌های درسی جدید وجود دارند، عمدتاً حافظه‌ای‌اند و با آن‌ها میزان ضبط و حفظ مطالب توسط خواننده ارزیابی می‌شود، نه میزان فهم و توانمندی او در به‌کارگیری قواعد منطقی. نتیجه کم‌توجهی به تمرین و کاربرد قواعد منطقی به‌صورت عملی، جدلی و بحثی شدن روش فکری و ذهن طلاب در سایر علوم و مسائل است. جدلی و بحثی بودن ذهن و روش فکر سبب می‌شود شخص در مسائل اجتماعی نیز واقع‌بینی لازم را نداشته باشد.

بی‌توجهی به منطق جدید

محتوا و روش تمام کتاب‌های درسی منطقی رایج در حوزه علمیه قم، منطق قدیم یا منطق ارسطویی است که مسلمانان از آثار یونانیان اقتباس کرده‌اند و با ایجاد تغییرات، تحولات و نوآوری‌هایی در آن، آن را ارتقا بخشیده و برای خود حفظ کرده‌اند. در حالی که امروزه در دنیا، منطق ریاضی یا منطق جدید پیشتازی می‌کند و گوی سبقت را از منطق قدیم ارسطویی ربوده است. زبان نمادین و توسعه در مسائل و برخی ویژگی‌های منطق جدید، آن را به رقیبی جدی برای منطق قدیم ارسطویی تبدیل کرده است و در بسیاری از مراکز آکادمیک و دانشگاهی جهان، جای منطق ارسطویی را اشغال کرده است (سلیمانی، ۱۳۹۲؛ آتشین‌صدف، ۱۳۹۲: ۴۳). صرف‌نظر از اشکالات و معایبی که در منطق جدید و مبانی آن وجود دارد، آگاهی از این دانش جدید، روزآمد و رایج در دنیا، برای طلاب و دانش‌پژوهان علوم عقلی، که در پی پاسخ به سؤالات نو و حل معضلات علمی روزند، امری لازم و ضروری است و جای آن در متون درسی و کتاب‌های آموزشی علوم عقلی حوزه علمیه خالی است.

رکود و ایستایی در مباحث منطقی

کتاب‌های درسی رایج منطقی در حوزه علمیه قم عمدتاً یا مشائی‌اند یا کاملاً متأثر از منطق مشائی‌اند. خود ملاصدرا کتاب منطقی قابل‌اعتنایی تألیف نکرده است. آثار منطقی افراد صاحب‌تألیفی مانند ملا هادی سبزواری نیز، که از پیروان ملاصدرا و حکمت متعالیه به شمار می‌آیند، تفاوت محتوایی چشمگیری با آرا و آثار منطقی مشائی ندارند. در حالی که ظرفیت‌های خوبی در حکمت متعالیه برای ایجاد تحول در منطق و طرح مباحث جدید در آن وجود دارد که مغفول مانده‌اند. تقسیم حمل به اولی ذاتی و شایع‌صناعی؛ مسئله فرد بالذات؛ تحویل مفهوم جزئی به جزئی اضافی؛ حیث‌های مختلف حمل (تقییدی، تعلیلی، اطلاقی)، رابط بودن وجودهای معلولی و عدم استقلال وجودی و مفهومی آن‌ها و ... مباحثی‌اند که در بخش فلسفه ملاصدرا مطرح شده‌اند، اما کارکردهای منطقی دارند و می‌توانند در برخی مباحث منطقی مشائی، تحولاتی ایجاد کنند.

۲-۳. آسیب‌های مشترک و عمومی

با توجه به اینکه شاخص‌ها و معیارها درباره ویژگی‌های کتاب درسی مطلوب را شش قسم کردیم، اشکالات کلی و مشترک کتاب‌های درسی را نیز در همین شش قسم بررسی و ارزیابی می‌کنیم. باید توجه داشت که این اشکالات، به غالب یا اکثر کتاب‌های درسی اختصاص دارند، نه همه آن‌ها؛ لذا ممکن است برخی از اشکالات و آسیب‌ها، در بعضی از کتاب‌های درسی یافت نشوند.

اهداف آموزشی

به نظر می‌رسد با توجه به اینکه از تألیف بسیاری از کتاب‌های درسی منطق در حوزه علمیه قم، سال‌ها و گاه، قرن‌ها می‌گذرد، اهداف نویسندگان آن‌ها با نیازهای محیط اجتماعی امروز طلاب و فراگیران علوم عقلی در حوزه متناسب نیست. طلابی که در حوزه مشغول تحصیل و فراگیری علوم حوزوی‌اند، باید بتوانند پس از اتمام تحصیل، با تکیه بر آموخته‌های خویش، پاسخگوی نیازهای جامعه در ابعاد مختلف باشند. اما آیا اهداف تعیین‌شده در متون درسی فعلی ناظر به نیازهای روز جامعه مخاطبِ طلاب هستند؟ در بسیاری از این کتاب‌ها، چنین اهدافی لحاظ نگردیده‌اند؛ چراکه اساساً در چنین شرایطی و برای چنین ایامی و در راستای رفع چنین نیازهایی از جامعه، نگارش نیافته‌اند. بیشتر کتاب‌های رایج برای مکتب‌خانه‌های جوامع بسته گذشته و دوران خلیفه‌گری یا ملوک‌الطوایفی و پراکندگی جمعیتی تألیف شده‌اند که حوزه علمیه و حوزویان نقش زیادی در مسائل کلان اجتماعی و مواجهه با مکاتب و جریانات فکری جهانی نداشته‌اند. علاوه بر این، امروزه شورای عالی سیاست‌گذاری و مرکز مدیریت حوزه علمیه قم در بخش‌های مختلف تبلیغی، فرهنگی، علمی،

اجتماعی، سیاسی و ...، سیاست‌ها و اهداف کلانی برای حوزه‌های علمیه و نظام آموزشی آن تدوین کرده است که در حکم اسناد بالادستی برای رشته‌های مختلف علوم حوزوی به شمار می‌آیند. اهداف که در کتاب‌های درسی رایج منطق در حوزه علمیه قم دنبال می‌شوند، تا چه میزان با آن اهداف بالادستی، هماهنگ و منطبق‌اند؟ به نظر می‌رسد هماهنگی و انطباق لازم وجود نداشته باشد و اهداف تعیین‌شده در این کتاب‌های درسی، با نیازهای روز جامعه و اهداف بالادستی تدوین‌شده توسط شورای سیاست‌گذاری حوزه علمیه قم منطبق نیستند؛ در حالی که از شرایط بایسته در اهداف یک کتاب درسی مطلوب و استاندارد، هماهنگی و انطباق آن با اهداف اسناد بالادستی است.

روش آموزشی

روش متداول و غالب در کتاب‌ها و متون درسی منطق، مبتنی بر روش قدیمی انفعالی و عمدتاً کتاب‌محور است، نه فعال و دانش‌پژوه‌محور. نویسنده کتاب به آرا و نظریاتی دست یافته و آن‌ها را به همراه فهرستی از آرا و نظریات دیگر اندیشمندان، در کتاب خود ارائه کرده است. خواننده نیز باید این آرا و نظریات را با ادله آن‌ها بخواند و یاد بگیرد. در غالب این کتاب‌ها از روش فعال که دانش‌پژوه و خواننده را به گفت‌وگو، فعالیت گروهی، کار و ... وامی‌دارد و بخش عمده‌ای از فهم مطالب و دسترسی به محتوا را بر عهده تحقیق و فعالیت فکری خود فراگیر می‌گذارد، خبری نیست. ایجاد انگیزه در مخاطبان برای مشارکت در یادگیری با طرح سؤالات تحلیلی و بحث‌برانگیز، تمرین‌های مؤثر و ... از نکاتی است که جای آن‌ها در کتاب‌های متداول و رایج منطق در حوزه، خالی است. امروزه انواع مختلفی از تمرین‌ها در دسترس‌اند که دانش‌پژوهان و خوانندگان را به حل مشکلات عملی فرضی یا واقعی، با استفاده از آگاهی‌های نظری قبلی وامی‌دارند. می‌توان با قرار دادن یک مجهول یا ابهام در میانه متن یا پایان گفتار یا فصل، خواننده را به تعمق و تفکر واداشت تا فهم بهتر، عمیق‌تر و بیشتری در آموزش نصیب او گردد. تمرین‌ها نقش شایسته‌ای در تعمیق فهم خوانندگان (در صورتی که تمرین، تحلیلی باشد) یا تقویت نگاه انتقادی در مبانی، روش، نظریه، گزاره، پیامد، شخصیت و اثر (در صورتی که تمرین، انتقادی باشد) یا کسب شناخت فراتر از متن (در صورتی که تمرین، تطبیقی و مقایسه‌ای باشد) یا فهم مطالب در زندگی واقعی با تطبیق نظریه بر واقع (در صورتی که تمرین، تبیینی باشد) دارند؛ در حالی که غالب کتاب‌ها و متون آموزشی منطق در حوزه علمیه قم از این روش انتقال مطالب بی‌بهره‌اند.

آسیب دیگر از نظر روش ارائه مطالب، عدم رعایت سیر مناسب حرکت در تبیین و تقریر مطالب و مسائل عقلی است. در بسیاری از متون درسی منطق به جای اینکه سیر حرکت از آسان به سخت باشد و در یک حرکت مطلوب، ابتدا سؤالی درباره مسئله مورد بحث طرح شود و بعد با مثال‌های خیلی روشن، واضح و آسان، بحث درباره مسئله ادامه یابد و آهسته‌آهسته خواننده به سمت مطالب عمیق‌تر و پیچیده‌تر و



دشوارتر هدایت شود، مطالب و مسائل به صورت پیچیده و دشوار مطرح می‌شوند (معلمی، ۱۳۹۹).

محتوای آموزشی

به‌رغم اینکه فلسفه وجودی حوزه‌های علمیه و تأسیس آن‌ها، استخراج معارف دین براساس نیازهای روز جامعه اسلامی و پاسخ‌گویی به سؤالات جدید مردم بوده است، یکی از اشکالات مهم کتاب‌های درسی رایج، به‌روز نبودن و عدم تناسب محتوای آن‌ها با نیازهای روز و سؤالات جدید است؛ چراکه بیشتر این کتاب‌ها در گذشته‌ای دور تألیف شده‌اند. این امر علاوه بر اینکه از جامعیت نسبی آن‌ها می‌کاهد، به اعتماد خواننده به آن‌ها آسیب جدی وارد می‌سازد و جذابیت آن‌ها را در نظر دانش‌پژوهان کاهش می‌دهد. دانشگاه‌ها و مراکز علمی معتبر دنیا هر چند سال یک بار تمام روش‌ها و محتوا و مضامین کتاب‌های درسی و آموزشی خود را براساس نیازهای جدید، روزآمد می‌سازند (ذاکری، ۱۳۷۵: ۶۲). حال چگونه با کتاب درسی‌ای که محتوای آن متعلق به چند قرن پیش است، می‌توان پاسخ‌گوی نیازهای روز جامعه بود؟

استفاده از واژگان و اصطلاحات مبهم و نامأنوس پیش از تعریف و روشن‌سازی معنای آن‌ها یا عدم تفکیک مناسب معانی آن‌ها نیز از اشکالاتی است که سبب شده دانش‌پژوه به جای اشتغال به فهم محتوای درس، درگیر فهم معنای اصطلاحات و واژگان شود.

البته باید توجه داشت که نقد محتوای کتاب‌های درسی رایج، ناظر به تمام مطالب و محتوای آن‌ها نیست، بلکه منظور این است که محتوای کتاب‌های قدیمی، پالایش شوند و با حفظ مباحث اساسی و اصالت‌های اسلامی و بهره بردن از دستاوردها و مطالب مفید آن‌ها، این کتاب‌ها روزآمد گردند و متناسب با نیازهای روز جامعه، و لحاظ کردن یافته‌های جدید اندیشمندان، محتوای آن‌ها اصلاح و بازنویسی شود. در این صورت می‌توان با تکیه بر سرمایه‌ها و میراث‌های علمی پیشینیان، با پیشرفت‌های جهانی همگام شد و دانش‌پژوهانی کارآمد، مفید و اثرگذار در جامعه تربیت کرد.

شکل و ظاهر متن آموزشی

نثر و زبان نوشتاری کتاب درسی مطلوب باید روان و بی‌پیرایه و خالی از پیچیدگی باشد و مطالب را بدون ابهام و ایهام، به صورت روشن برای مخاطب بیان کند، اما در برخی از کتاب‌های قدیمی و سنتی منطقی، گویا موجزگویی و مغلق‌نویسی، یک امتیاز به شمار می‌رفته است و نویسندگان در تلاش بوده‌اند مطالب مهم و عمیق عقلی را با کمترین کلمات در کوتاه‌ترین عبارات به مخاطبین و خوانندگان ارائه نمایند و به همین دلیل از توضیح و تفسیر شایسته مطالب و تطویل بایسته مباحث، اجتناب می‌کرده‌اند. چنین روشی شایسته و مناسب کتاب درسی نیست. توان دانش‌پژوه نباید صرف گره‌گشایی از الفاظ و

عبارت‌های متن درس و رمزگشایی از پیچیدگی‌های مفهومی اصطلاحات و واژگان آن گردد، بلکه عمده نیروی او باید صرف فهم محتوا و مطالب درس شود.

ساختار متن آموزشی

ساختار و قالب و شکل باب‌بندی در کتاب‌های درسی منطق یکسان نیست و خواننده در هر کتاب درسی با گونه‌ای از تبویب و چیدمان بخش‌های کتاب مواجه است. این گوناگونی و ناپیکدستی در تبویب و بخش‌بندی اجزای کتاب، می‌تواند برای خواننده و فراگیر مشکلاتی به همراه داشته باشد و مقداری از فرصت و نیروی او را صرف فهم نوع تبویب و چگونگی ساختار و چیدمان مطالب کتاب گرداند. علاوه بر اینکه در برخی موارد، شیوه مناسبی در تبویب مطالب و مباحث وجود ندارد. یکی دیگر از آسیب‌های برخی کتاب‌های درسی رایج، عدم تنظیم منطقی و نظام‌مند مباحث و مطالب آن‌هاست. در بسیاری از آن‌ها، مطالب ارائه‌شده در یک درس، شوق خواننده را برای فراگیری درس بعدی برنمی‌انگیزاند.

همچنین غالب کتاب‌های درسی رایج، فاقد مقدمه مناسب‌اند. یک کتاب درسی مطلوب باید دارای مقدمه‌ای باشد که در آن مسائلی مانند معرفی کتاب و اهداف یادگیری، گزارش اجمالی محتوا، بیان ساختار کلی کتاب، توضیح نکات لازم برای استادان و خوانندگان طرح شده باشد. چنین مقدمه‌ای در بیشتر کتاب‌های درسی، به ویژه کتاب‌های قدیمی، یافت نمی‌شود.

بایسته‌های ورودی هر فصل نیز در اکثر متون درسی رعایت نشده است؛ مثلاً معرفی موضوع و اهداف هر درس و فصل، بیان انتظارات یادگیری و ... در غالب کتاب‌های آموزشی حوزه یافت نمی‌شوند.

بایسته‌های پایانی کتاب درسی مطلوب نیز در غالب متون آموزشی حوزه رعایت نشده است. اکثر این کتاب‌ها فاقد چکیده و خلاصه پایان فصل، سؤالات پایانی، پیشنهادها و نکات اضافی، معرفی منابع بیشتر برای مطالعه و تحقیق، بحث و تحقیق پایانی‌اند.

جنبه‌های روان‌شناختی

غالب کتاب‌های درسی رایج منطق در حوزه علمیه، برای گروه سنی خاص با شرایط روحی و روانی معین، و قدرت ذهنی و توان فهم مشخص نگاشته نشده است، بلکه نویسنده به دنبال ارائه نظرات و دیدگاه‌های خویش به صاحب‌نظران و محققان آن دانش بوده است؛ لذا در نگارش کتاب، میزان فهم و درک خوانندگان در سطوح مختلف سنی را لحاظ نکرده است (ابوالقاسم‌زاده، ۱۳۹۹؛ ذاکری، ۱۳۷۵: ۶۹). در نتیجه برخی مطالب این کتاب‌ها برای همه مخاطبان قابل فهم نیست. عبارات پیچیده و مطالب و موضوعات



غیرضروری که برای اهل تحقیق مناسب‌اند، فراوان در متون آموزشی حوزه یافت می‌شوند. به‌روز نبودن محتوای کتاب‌های درسی، عدم رعایت سیر منطقی مباحث و نامناسب بودن ساختار کتاب درسی، بی‌توجهی به برخی ویژگی‌های ظاهری در کتاب‌های قدیمی و سنتی منطق، سبب آشفتگی و ناآرامی روانی و به‌هم‌ریختگی ذهنی مخاطبان می‌شوند و به فرایند انتقال محتوا آسیب جدی می‌زنند. کم‌توجهی به پرورش تفکر خلاق نیز یکی دیگر از آسیب‌ها و اشکالات کتاب‌های درسی علوم عقلی حوزه است. متأسفانه در غالب این کتاب‌ها از عواملی مانند طرح سؤالات تفکربرانگیز؛ پیشنهاد فعالیت‌های فراتر از محتوای درس؛ طرح موضوعات بحث‌برانگیز که حل آن‌ها مستلزم به‌کارگیری مهارت‌های جمع‌آوری و پردازش اطلاعات است، خبری نیست. وجود چنین عواملی در کتاب‌های درسی منطق، به تقویت و پرورش تفکر نقاد و خلاق در دانش‌پژوه می‌انجامد. قدیمی بودن و فقدان نظریات علمی جدید در کتاب‌های درسی نیز از یک سو سبب کاهش جذابیت و ایجاد انگیزه در بخشی از خوانندگان و دانش‌پژوهان شده و شوق و انگیزه فراگیری را از آن‌ها سلب کرده است (سبحانی، ۱۳۷۶: ۵۵) و از سویی دیگر باعث شده برخی افراد علاقه‌مند به متون قدیمی و کهن، با نظریات و آرای قدما چنان خو بگیرند که با نظریات و اندیشه‌های جدید با بی‌مهری برخورد کنند و نوعی هراس و موضع‌گیری منفی نسبت به نوآوری‌های اندیشمندان جدید در آن‌ها ایجاد شود.

۴. نتیجه

با توجه به بررسی‌هایی که صورت گرفت، این نکته به‌خوبی روشن شد که متون درسی و کتاب‌های آموزشی دانش منطق در حوزه علمیه قم آسیب‌های متعدد و عمده‌ای دارند و این سبب پدید آمدن اشکالات اساسی در فرایند آموزش منطق در حوزه گردیده است. این موضوع، بازنگری و اصلاح متون درسی منطق در حوزه علمیه قم را ضروری می‌نماید. پیشنهاد می‌شود برای تدوین متون جدید یا بازنگری در متون درسی منطق، کارگروهی از کارشناسان منطق شکل گیرد که همواره بر کتاب‌های درسی منطق در حوزه نظارت داشته باشند و از طریق ارتباط و تعامل با استادان و خبرگان در این دانش، نظرات ایشان را کسب کرده، همواره در پی به‌روزرسانی و اصلاح و تکمیل یا تدوین متون درسی منطق در حوزه علمیه قم باشند.

منابع

۱. آتشین صدف، محمدرضا (۱۳۹۲)، «منطق جدید چیست؟»، تهران: رهنامه پژوهش، ش ۱۳: ۴۳-۴۹.
۲. جمعی از نویسندگان زیر نظر محمد فناپی (۱۳۹۲)، درآمدی بر تاریخ فلسفه اسلامی، تهران: سمت.
۳. حسن مرادی، نرگس (۱۳۸۸)، تحلیل محتوای کتاب درسی، تهران: آبیژ.
۴. حسینی جرجانی، میر سید شریف (۱۳۹۸)، الکبری فی المنطق، نشر دیجیتال، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه (عجل الله تعالی فرجه الشریف).
۵. ذاکری، علی اکبر (۱۳۷۵)، «نگرشی به متون آموزشی حوزه»، حوزه، ش ۳۵: ۶۲.
۶. رضانژاد (نوشین)، غلامحسین (۱۳۷۱)، حکیم سبزواری (زندگی، آثار و فلسفه)، تهران: سنایی.
۷. سبحانی، جعفر (۱۳۷۶)، «مهم‌ترین اصول در بازننگری نظام آموزشی»، پیام حوزه، ش ۱۳: ۵۵.
۸. سلیمانی، عسکری (۱۳۹۲)، «بایسته‌های تحصیل و تحقیق در منطق»، تهران: رهنامه پژوهش، ش ۱۳.
۹. شیروانی، علی (۱۳۹۲)، ترجمه منطق (ترجمه و شرح مختصر کتاب المنطق)، محمدرضا مظفر، قم: دارالعلم.
۱۰. فایزنی، اکبر (۱۳۸۳)، «نوآوری‌های منطقی ابن سینا و تأثیر آن در منطق ارسطویی»، اندیشه دینی، ش ۱۳: ۶۷-۸۴.
۱۱. کاتبی القزوی، نجم‌الدین علی (۱۳۸۴)، تحریر القواعد المنطقیه فی شرح الرساله الشمسیه، قم: بیدار.
۱۲. کارآمد، حسین (۱۳۹۰)، در جستجوی راهکارهای تدوین متون درسی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
۱۳. لپیونکا، مری آلن (۱۳۸۵)، نحوه نگارش و تهیه کتاب درسی دانشگاهی، ترجمه زیر نظر فریبرز مجیدی، تهران: سمت.
۱۴. منتظری مقدم، محمود (۱۳۹۷)، دانش منطق، قم: حوزه علمیه قم.
۱۵. یزدی، عبدالله بن شهاب‌الدین (۱۳۸۷)، حاشیه ملا عبدالله علی التهذیب، تحقیق سید مصطفی حسینی دشتی، قم: دار التفسیر.

مصاحبه‌ها

۱۶. فیاضی (۱۳۹۹)، مصاحبه با استاد آیت‌الله فیاضی توسط محقق در تاریخ ۱۳۹۹/۲/۵.
۱۷. معلمی (۱۳۹۹)، مصاحبه با حجت‌الاسلام والمسلمین معلمی توسط محقق در تاریخ ۱۳۹۹/۳/۷.
۱۸. امینی نژاد (۱۳۹۹)، مصاحبه با حجت‌الاسلام والمسلمین امینی نژاد توسط محقق در تاریخ ۱۳۹۹/۴/۴.
۱۹. ابوالقاسم‌زاده (۱۳۹۹)، مصاحبه با حجت‌الاسلام والمسلمین ابوالقاسم‌زاده توسط محقق در تاریخ ۱۳۹۹/۵/۸.
۲۰. جزایری (۱۳۹۶)، مصاحبه با حجت‌الاسلام والمسلمین سید حمید جزایری (مدیر تدوین متون حوزه علمیه) منتشر شده در (<http://ijtihadnet.ir>) در تاریخ ۱۳۹۶/۲/۳.



آسیب‌شناسی و بررسی وضعیت متون درسی دانش منطق در حوزه علمیه قم

سایت‌ها

۲۱. بوک روم <https://bookroom.ir/book/18581.28/12/1398>

۲۲. ویکی پدیا <https://fa.wikipedia.org/۱۳۹۹/۱۲/۲۴>

۲۳. ویکی فقه <http://wikifeqh.ir/5/9/1399>

۲۴. ویکی نور <https://wikinoor.ir/28/12/1399>